

سخن سردبیر

اخیراً مطالب زیادی در خصوص جهانی شدن اخلاق به رشته‌ی تحریر درآمده است. مبحثی که از آن به عنوان افزایش تعامل میان کشورها به‌ویژه در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری، انتقال فن‌آوری، جنبش‌های مردمی و اشاعه‌ی جهانی شیوه‌ی زندگی مصرف‌کنندگی غربی یاد می‌شود و در تولیداتی همچون فیلم‌های هالیوودی و مک دونالد مجسم می‌شود.¹ بحث‌های اخلاقی فراوانی در خصوص مزایا و هزینه‌های جریان جهانی سازی از جمله تأثیر آن بر بی‌عدالتی درون و میان جوامع، پیامدهای آن بر محیط زیست و نحوه‌ی ریشه‌کنی و از بین بردن شیوه‌های سنتی زندگی مطرح شده است.

یکی از جنبه‌های جالب مباحث اخلاقی در خصوص جهانی‌سازی این است که این بحث‌ها خود در سطح جهان و در ورای مرزهای ملی مطرح شده و مبارزان، دانشگاهیان و سران دولتی را از هر گوشه دنیا گرد هم می‌آورد؛ کسانی که باید در نهایت اصطلاحات مشترکی را بیابند تا بتوانند نگرانی خویش را درباره جهانی‌سازی اخلاق به بحث گذارند. با توجه به روابط گسترده‌ی میان فرهنگ‌های موجود در جهان، این بحث‌های فراملی به نحو فزاینده‌ای غیرقابل اجتناب است و با روند رو به رشد جهانی‌سازی، اخلاق نیز باید به سمت جهانی شدن حرکت کند.

هدف ما در اینجا تشریح موضوع جهانی شدن اخلاق است که به گونه‌ای شگفت‌آور به پدیده‌ای فراموش شده تبدیل شده است. به‌ویژه این که طرز تفکر مؤثرترین سنت‌های اخلاقی جهان در خصوص وظیفه‌ی ایجاد زمینه برای گفتگو و طرح هنجارهای اخلاقی در سطح جهان نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. زمانی که

1. Hallywood movies and McDonald's

نیازمند توجه به اخلاق در سطح جهانی می‌شویم، مهم است بدانیم که چه منابعی در مسیحیت، اسلام، یهودیت، بوداییسم، لیبرالیسم، حقوق طبیعی، کنفوسیوس‌گرایی و فمینیسم در دست داریم؟

اغراق‌آمیز جلوه دادن اهمیت و دشواری این وظیفه قابل انتقاد است. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن جوامع و ملل در جستجوی رهنمودهای اخلاقی موجود در ادیان و سنت‌های فرهنگی مختلف می‌باشند و از آنجا که در تمامی این سنت‌ها عناصری وجود دارد که تمام ادیان، فرهنگ‌ها و کشورها را به همکاری و تعامل بیشتر با یکدیگر تشویق می‌کند و بر هنجارهای متعارض و اقدامات اجتماعی ناسازگار که این نوع همکاری را دشوار می‌سازند می‌تازد، لذا ممکن است بین طرفداران سنت‌های مختلف تعارض‌هایی رخ دهد؛ نه به این خاطر که مردم در مواجهه با جوامع بیگانه حساسیت‌های اخلاقی خود را کنار می‌گذارند، بلکه بر عکس این تعارض به دلیل همان حساسیت‌های اخلاقی است. در واقع تعارض‌هایی که ریشه در داستان همیشگی خوب و بد دارند می‌توانند بسیار ویران‌کننده‌تر و حساس‌تر از تعارض‌هایی باشند که از منافع عادی نشأت می‌گیرند. این نوع تعارض‌های اخلاقی ممکن است در خصوص مسائلی همچون جایگاه زنان، گرایش مذهبی، شیوه‌ی مجازات، نوع حکومت و استفاده از فضاهاى عمومی بروز نماید.

با این حال صرف‌نظر از این منابع مهم تعارض‌های احتمالی، دلایلی برای اتفاق نظر میان سنت‌های اخلاقی مختلف وجود دارد. متأسفانه قلمرو این همگرایی اغلب به خاطر شیوه‌های مختلف بیان، دشمنی و کینه‌های تاریخی و نبود نشست‌های مشترک برای تبادل نظر مبهم بوده است. یکی از اهداف ما باید ترویج نوعی گفتگو میان سنت‌های اخلاقی مختلف برای تبیین هرچه بهتر موارد اختلاف و

توافق نظر، معرفی و ترویج حوزه‌های احتمالی اتفاق نظر و بررسی راه حل‌های سازگار و پذیرفتن آن باشد.

ما می‌توانیم طیفی از پاسخ‌های احتمالی نسبت به مسأله‌ی چالش‌برانگیز جهانی شدن اخلاق را تصور کنیم و بحث را با سنت‌های اخلاقی موجود به عنوان تنها چارچوب قانونی برای طرح گفتمان اخلاقی جهانی آغاز نماییم. در طول دوران‌های گذشته، به‌ویژه در دوره استعمارگرایی، بسیاری از ملل نیروهای غربی را که در مسیر جهانی‌سازی عمل کرده‌اند، به‌عنوان ترویج ارزش‌های مذهبی مسیحی یا ارزش‌های آزادی‌خواهانه‌ی غیرمذهبی، مورد انتقاد و نکوهش قرار داده‌اند. اما شروع بحث با موضوع سنت اخلاقی معاصر تنها با وجود نابرابری‌های عظیم در حیطه‌ی قدرت امکان‌پذیر است.

در واقع به همین دلیل تلاش برای تحمیل یک سنت اخلاقی خاص از نظر دیگران نوعی بی‌عدالتی در قدرت و نه تلاش برای برپایی یک جامعه جهانی اخلاقی واقعی است. پرواضح است که امروزه در اکثر سنت‌ها، تلاش برای اعمال ارزش‌های خود بر دیگران، کاری غیرقانونی و غیرواقع بینانه است، در حالی که هر سنتی با تشویق و ترویج امید و انتظار، مردم را به سمت پذیرفتن ارزش‌ها و آمال خود سوق می‌دهد، اما این درواقع پیامد مطلوب یک بحث اخلاقی و نه نقطه‌ی آغاز آن محسوب می‌شود.

گزینه دیگر تعریف یک گفتمان اخلاقی کاملاً جدید است که منحصراً از یکی از سنت‌های اخلاقی تاریخی گرفته نشده و صرفاً به قصد طرح بحث‌های میان فرهنگی پیشنهاد شده است. البته این سنت یکی از اهداف حقوق بشر بین‌المللی است که توسط سازمان ملل متحد مقرر شده است. این رویکرد تا جایی پیش رفته است که امروزه از آن به عنوان «سنت اخلاقی» یا حداقل اصل اخلاقی سنت

گسترده‌تر حقوق بین‌المللی یاد می‌کنند و همچون هر آیین دیگری، این آئین از «متون رسمی» خاصی به‌ویژه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و همچنین معاهده‌ی بین‌المللی حقوق بشر که در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید برخوردار است.

بسط و گسترش ایده حقوق بشر از سال ۱۹۴۸ نشانگر این نکته است که پتانسیل فراوانی در این دیدگاه نهفته است. مردم مناطق مختلف دنیا با پیش زمینه‌های فرهنگی و مذهبی گوناگون توانسته‌اند زبان حقوق بشر را درک کنند و از آن بعنوان ابزاری برای بیان نگرانی‌های اخلاقی خود بهره گیرند. حقوق بشر به شیوه‌های گوناگون می‌تواند به عنوان معیار طلایی در مباحث اخلاقی بین‌المللی به کار گرفته شود. با این حال، این ایده که حقوق بشر می‌تواند به عنوان مبنایی مناسب برای اخلاق جهانی شده عمل کند، مسأله‌ای قابل تأمل است. از نگاه برخی افراد چار چوب حقوق بشر شکل اندک تغییر یافته‌ای از آزادی‌خواهی غربی است. بر این اساس حقوق بشر ظاهراً محصول یک توافق بین‌المللی است، اما در حقیقت انعکاس دهنده‌ی یک سری اندیشه‌های غربی می‌باشد که فرد انسانی را به عنوان موجودی صاحب حق و نیازمند حمایت از سوی جامعه و دولت می‌داند. باید به خاطر داشت که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ پیش از آغاز جنبش ضد استعماری مطرح شده، به گونه‌ای که اکثر کشورهای غیرغربی دنیا طرف مذاکره بر سر تعریف اولیه‌ی حقوق بشر نبوده‌اند.

از نظر عده‌ای دیگر، حتی اگر ایده حقوق بشر بازتاب جهانی داشته باشد، باز هم به تنهایی نمی‌توان از طریق آن به بحث در خصوص مسائل مطرح در جهانی سازی اخلاق همچون تأثیر بر محیط، جوامع بومی و خانواده پرداخت. بنابراین حقوق بشر بین‌المللی باید با سایر هنجارها و اصول اخلاقی از جمله هنجار مسئولیت‌های جمعی تکمیل شود. با این حال در خصوص این که این خلأ را

چگونه باید پر کرد، هیچ اجماعی وجود ندارد. این مهم یکی از دغدغه‌های اصلی بانیان این نشریه و اعضای انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی است که همواره صاحب‌نظران و اندیشمندان را به تأمل و تفکر در این باره فرا می‌خوانند که امروزه برای برون‌رفت از چالش‌هایی که جامعه جهانی با آن دست به گریبانست چه می‌توان کرد و اگر یکی از بهترین گزینه‌های جهانی‌سازی اخلاق با گفتمان و همگرایی است راهکارهای دستیابی به آن چیست؟

سردبیر

